

الرَّسُول بولس في مكدونية واليونان

¹ وَبَعْدَمَا انْتَهَى الشَّعْبُ دَعَا بُولُسُ التَّلَامِيذَ وَوَدَّعَهُمْ وَخَرَجَ لِيَذْهَبَ إِلَى مَكْدُونِيَّةَ. ² وَلَمَّا كَانَ قَدْ اجْتَارَ فِي تِلْكَ التَّوَاجِي وَوَعَطَهُمْ بِكَلَامٍ كَثِيرٍ جَاءَ إِلَى هَلَّاسٍ قَصَصَرَفَ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، ثُمَّ إِذْ حَصَلَتْ مَكِيدَةُ مِنَ الْيَهُودِ عَلَيْهِ وَهُوَ مُزْمِعٌ أَنْ يَصْعَدَ إِلَى سُورِيَّةَ صَارَ رَأْيُ أَنْ يَرْجِعَ عَلَى طَرِيقِ مَكْدُونِيَّةَ. ⁴ فَرَاقَقَهُ إِلَى أَسِيَّا سُبَوَاتَرُسُ الْبِيرِيُّ، وَمِنْ أَهْلِ تَسَالُونِيكِي أَرِسْتَرُخُسُ وَسَكُونْدُسُ وَغَايُسُ الدَّرَبِيُّ وَتِيمُوتَاؤُسُ، وَمِنْ أَهْلِ أَسِيَّا تِيخِيكُسُ وَثُرُوفِيمُسُ. ⁵ هَؤُلَاءِ سَبَقُوا وَانْطَرُونَا فِي تَرُؤَاسَ. ⁶ وَأَمَّا تَحْنُ فَسَافَرْنَا فِي الْبَحْرِ بَعْدَ أَيَّامٍ الْقَطِيرِ مِنْ فِيلِيبِّي وَوَاقِفْنَا لَهُمْ فِي خَمْسَةِ أَيَّامٍ إِلَى تَرُؤَاسَ حَيْثُ صَرَفْنَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ.

خطبة الوداع في ترواس

⁷ وَفِي أَوَّلِ الْأُسْبُوعِ إِذْ كَانَ التَّلَامِيذُ مُجْتَمِعِينَ لِيَكْسِرُوا خُبْزًا خَاطِبُهُمْ بُولُسُ وَهُوَ مُزْمِعٌ أَنْ يَمْضِيَ فِي الْعِدِ وَأَطَالَ الْكَلَامَ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ. ⁸ وَكَانَتْ مَضَائِجُ كَثِيرَةٍ فِي الْعُلِّيَّةِ الَّتِي كَانُوا مُجْتَمِعِينَ فِيهَا. ⁹ وَكَانَ شَابٌّ اسْمُهُ أَفْتِيخُوسُ جَالِسًا فِي الطَّاقَةِ مُتَقَلًّا بِتَوْمٍ عَمِيقٍ. وَإِذْ كَانَ بُولُسُ يَخَاطِبُ خَطَابًا طَوِيلًا غَلَبَ عَلَيْهِ النَّوْمُ فَسَقَطَ مِنَ الطَّابِقَةِ الثَّلَاثَةِ إِلَى أَسْفَلٍ وَخُمِلَ مَيِّتًا. ¹⁰ فَتَرَلَّ بُولُسُ وَوَقَعَ عَلَيْهِ وَاعْتَنَقَهُ قَائِلًا: لَا تَضْطَرِّبُوا، لَأَنَّ نَفْسَهُ فِيهِ. ¹¹ ثُمَّ صَعِدَ وَكَسَّرَ خُبْزًا وَأَكَلَ وَتَكَلَّمَ كَثِيرًا إِلَى الْفَجْرِ، وَهَكَذَا خَرَجَ. ¹² وَأَتَوْا بِالْقَتَى حَيًّا وَتَعَزَّوْا تَعَزُّبَةً لَيْسَتْ بِقَلِيلَةٍ.

السَّفَرُ عِبْرَ مِيلْيُسُسَ

¹³ وَأَمَّا تَحْنُ فَهَسَبْنَا إِلَى السَّفِينَةِ وَأَفْلَعْنَا إِلَى أَسُوسَ مُزْمِعِينَ أَنْ تَأْخُذَ بُولُسَ مِنْ هُنَاكَ لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ رَتَّبَ هَكَذَا مُزْمِعًا أَنْ يَمْشِيَ. ¹⁴ فَلَمَّا وَاقَفَا إِلَى أَسُوسَ أَخَذْنَاهُ وَأَتَيْنَا إِلَى مَيْتِيلِينِي. ¹⁵ ثُمَّ سَافَرْنَا مِنْ هُنَاكَ فِي الْبَحْرِ وَأَقْبَلْنَا فِي الْعِدِ إِلَى مُقَابِلِ خِيُوسَ، وَفِي الْيَوْمِ الْآخِرِ وَصَلْنَا إِلَى سَامُوسَ وَأَقَمْنَا فِي تَرُوجِيلِيُونِ، ثُمَّ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِي جِئْنَا إِلَى مِيلْيُسُسَ، ¹⁶ لِأَنَّ بُولُسَ عَزَمَ أَنْ يَجَاوِزَ أَفَسُسَ فِي الْبَحْرِ لِنَلَّا بَعْرَضَ لَهُ أَنْ يَصْرَفَ وَفَنَّا فِي أَسِيَّا، لِأَنَّهُ كَانَ يُسْرِعُ حَتَّى إِذَا أُمَكَّنَهُ يَكُونُ فِي أَوْسَلِيمَ فِي يَوْمِ الْخَمْسِينَ.

خطبة الوداع لكنيسة أفسس

¹⁷ وَمِنْ مِيلْيُسُسَ أَرْسَلَ إِلَى أَفَسُسَ وَاسْتَدْعَى فُسُوسَ الْكَنِيسَةِ. ¹⁸ فَلَمَّا جَاءُوا إِلَيْهِ قَالَ لَهُمْ: أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ مِنْ

مساشرت بولس به مكدونية و يونان

¹ و بعد از تمام شدن این هنگامه، پولسشاگردان را طلبیده، ایشان را وداع نمود و به سمت مكدونيه روانه شد. ² و در آن نواحی سير کرده، اهل آنجا را نصيحت بسيار نمود و به يونانستان آمد. ³ و سه ماه توقف نمود و چون عزم سفر سوريه کرد و يهوديان در كمين وی بودند، اراده نمود كه از راه مكدونيه مراجعت كند. ⁴ و سوياترس از اهل بيريه و ارسترخس و سكندس از اهل تسالونيكی و غايوس از دزته و تيموتاوس و از مردم آسيا تيخيكس و تروفيمس تا به آسيا همراه او رفتند. ⁵ و ایشان پيش رفته، در ترواس منتظر ما شدند. ⁶ و اما ما بعد از ايام فطير از فيليپی به كشتی سوار شدیم و بعد از پنج روز به ترواس نزد ایشان رسیده، در آنجا هفت روز ماندیم.

خطبه وداع در ترواس

⁷ و در اوّل هفته، چون شاگردان بجهت شكستن نان جمع شدند و پولس در فردای آن روز عازم سفر بود، برای ایشان موعظه می‌کرد و سخن او تا نصف شب طول کشید. ⁸ و در بالاخانهای كه جمع بودیم، چراغ بسيار بود. ناگاه جوانی كه آفتيخس نام داشت، نزد درچه نشسته بود كه خواب سنگین او را دربرود و چون پولس كلام را طول می‌داد، خواب بر او مستولی گشته، از طبقه سوم به زیر افتاد و او را مرده برداشتند. ¹⁰ آنگاه پولس به زیر آمده، بر او افتاد و وی را در آغوش کشیده، گفت: مضطرب مباشید زیرا كه جان او در اوست. ¹¹ پس بالا رفته و نان را شكسته، خورد و تا طلوع فجر گفتگوی بسيار کرده، همچنين روانه شد. ¹² و آن جوان را زنده بردند و تسلی عظيم پذیرفتند.

¹³ اما ما به كشتی سوار شده، به آسوس پيش رفتیم كه از آنجا می‌بایست پولس را برداریم كه بدینطور قرار داد زیرا خواست تا آنجا پياده رود. ¹⁴ پس چون در آسوس او را ملاقات كردیم، او را برداشته، به ميتيليني آمديم. ¹⁵ و از آنجا به دریا كوچ کرده، روز ديگر به مقابل خيوس رسيدیم و روز سوم به ساموس وارد شدیم و در تروجيليون توقف نموده، روز ديگر وارد ميليسس شدیم. ¹⁶ زیرا كه پولس عزيمة داشت كه از محاذی آفسس بگذرد، مبدا او را در آسيا درنگی پيدا شود، چونكه تعجيل می‌كرد كه اگر ممكن شود تا روز

بنطیکاست به اورشلیم برسد.

خطبه وداع در میلیئس

¹⁷ پس از میلیئس به آفسس فرستاده، کشیشان کلیسا را طلبید. ¹⁸ و چون به نزدش حاضر شدند، ایشان را گفت: بر شما معلوم است که از روز اول که وارد آسیا شدم، چطور هر وقت با شما بسر می‌بردم؛ ¹⁹ که با کمال فروتنی و اشکهای بسیار و امتحانهایی که از مکاید یهود بر من عارض می‌شد، به خدمت خداوند مشغول می‌بودم. ²⁰ و چگونه چیزی را از آنچه برای شما مفید باشد، دریغ نداشتم بلکه آشکارا و خانه به خانه شما را اخبار و تعلیم می‌نمودم. ²¹ و به یهودیان و یونانیان نیز از توبه به سوی خدا و ایمان به خداوند ما عیسی مسیح شهادت می‌دادم. ²² و اینک، الآن در روح بسته شده، به اورشلیم می‌روم و از آنچه در آنجا بر من واقع خواهد شد، اطلاعی ندارم. ²³ جز اینکه روح القدس در هر شهر شهادت داده، می‌گوید که بندها و زحمات برایم مهیا است. ²⁴ لیکن این چیزها را به هیچ می‌شمارم، بلکه جان خود را عزیز نمی‌دارم تا دور خود را به خوشی به انجام رسانم و آن خدمتی را که از خداوند عیسی یافته‌ام که به بشارت فیض خدا شهادت دهم. ²⁵ و الحال این را می‌دانم که جمیع شما که در میان شما گشته و به ملکوت خدا موعظه کرده‌ام، دیگر روی مرا نخواهید دید. ²⁶ پس امروز از شما گواهی می‌طلبم که من از خون همه بری هستم، زیرا که از اعلام نمودن شما به تمامی اراده خدا کوتاهی نکردم. ²⁸ پس نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسفوف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است. ²⁹ زیرا من می‌دانم که بعد از رحلت من، گرگان درنده به میان شما درخواهند آمد که بر گله ترحم نخواهند نمود، ³⁰ و از میان خود شما مردمانی خواهند برخاست که سخنان کج خواهند گفت تا شاگردان را در عقب خود بکشند. ³¹ لهذا بیدار باشید و به یاد آورید که مدت سه سال شبانه‌روز از تنبیه نمودن هر یکی از شما با اشکها باز نایستادم. ³² و الحال، ای برادران، شما را به خدا و به کلام فیض او می‌سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع مقدسین شما را میراث بخشد. ³³ نقره یا طلا یا

اولِ یوم دَخَلْتُ أَسِيًّا كَيْفَ كُنْتُ مَعَكُمْ كُلَّ الرَّمَانِ، ¹⁹ أَخَذِمُ الرَّبِّ بِكُلِّ تَوَاضُعٍ وَدُمُوعٍ كَثِيرَةٍ وَتَجَارِبَ أَصَابَتْنِي بِمَكَائِدِ الْيَهُودِ، ²⁰ كَيْفَ لَمْ أُؤَخَّرْ شَيْئًا مِنَ الْقَوَائِدِ إِلَّا وَأَخْبَرْتُكُمْ وَعَلَّمْتُكُمْ بِهِ جَهْرًا وَفِي كُلِّ بَيْتٍ، ²¹ شَاهِدًا لِلْيَهُودِ وَالْيُونَانِيِّينَ بِالنُّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ وَالْإِبْرَاقِ الَّذِي يَرْبُّنَا يَسُوعَ الْمَسِيحِ. ²² وَالْآنَ هَا أَنَا أَذْهَبُ إِلَى أُورُشَلِيمَ مُقَيَّدًا بِالرُّوحِ لَا أَعْلَمُ مَاذَا يُصَادِفُنِي هُنَاكَ، ²³ عَيْرَ أَنَّ الرُّوحَ الْقُدُسَ يَشْهَدُ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ قَائِلًا: إِنَّ وَثَقًا وَشَدَائِدَ تَنْطَرُنِي. ²⁴ وَلَكِنِّي لَيْسْتُ أَحْتَسِبُ لِنَفْسِي وَلَا تَقْصِيي تَمِيْنَتُهُ عِنْدِي حَتَّى أَنْتَمُ بِفَرْحٍ سَعْيِي وَالْخِدْمَةِ الَّتِي أَخَذْتُهَا مِنَ الرَّبِّ يَسُوعَ لِأَشْهَدَ بَشَارَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ. ²⁵ وَالْآنَ هَا أَنَا أَعْلَمُ أَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ وَجْهِي أَيْضًا أَنْتُمْ جَمِيعًا الَّذِينَ مَرَرْتُ بَيْنَكُمْ كَارِرًا يَمْلِكُوكُ اللَّهُ. ²⁶ لِذَلِكَ أَشْهَدُكُمْ الْيَوْمَ هَذَا أَنِّي بَرِيءٌ مِنْ دَمِ الْجَمِيعِ. ²⁷ لِأَنِّي لَمْ أُؤَخَّرْ أَنْ أُخْبِرْكُمْ بِكُلِّ مَشُورَةٍ لِلَّهِ. ²⁸ اخْتَبِرُوا إِذَا لَا تُنْفِسُكُمْ وَلِجَمِيعِ الرِّعِيَةِ الَّتِي أَقَامَكُمْ الرُّوحُ الْقُدُسُ فِيهَا أَسَاقِفَةً لِيَتَرَعَوْا كَنِيسَةَ اللَّهِ الَّتِي افْتَنَاهَا بِدَمِهِ. ²⁹ لِأَنِّي أَعْلَمُ هَذَا، أَنَّهُ بَعْدَ ذَهَابِي سَيَدْخُلُ بَيْنَكُمْ ذَنَابٌ خَاطِئَةٌ لَا تُسْفِقُ عَلَى الرِّعِيَةِ. ³⁰ وَمِنْكُمْ أَنْتُمْ سَتَقُومُ رَجُلٌ يَتَكَلَّمُونَ بِأُمُورٍ مُتَلَوِيَةٍ لِيَجْتَذِبُوا التَّلَامِيذَ وَرَاءَهُمْ. ³¹ لِذَلِكَ اسْهَرُوا، مُتَذَكِّرِينَ أَنِّي ثَلَاثَ سِنِينَ، لَيْلًا وَنَهَارًا، لَمْ أَفُتِرَ عَنْ أَنْ أُذِيرَ بِدُمُوعٍ كُلِّ وَاحِدٍ. ³² وَالْآنَ أَسْتَوْدِعُكُمْ، يَا إِخْوَتِي، لِلَّهِ وَلِلْكَلِمَةِ نِعْمَتِهِ الْقَادِرَةِ أَنْ تَنْبِتَكُمْ وَتُعْطِيَكُمْ مِيرَاثًا مَعَ جَمِيعِ الْمُقَدَّسِينَ. ³³ فَضَّةٌ أَوْ ذَهَبٌ أَوْ لِبَاسٌ أَحَدٍ لَمْ أَسْتَه. ³⁴ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ خَاجَاتِي وَخَاجَاتِ الَّذِينَ مَعِي خَدَمَتْهَا هَاتَانِ الْيَدَانِ. ³⁵ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَرَبْتُكُمْ أَنَّهُ هَكَذَا يَتَّبِعِي أَنْتُمْ تَتَعَوَّنَ وَتَعْصُدُونَ الصُّعْقَاءَ مُتَذَكِّرِينَ كَلِمَاتِ الرَّبِّ يَسُوعَ أَنَّهُ قَالَ: مَغْبُوطٌ هُوَ الْعَطَاءُ أَكْثَرَ مِنَ الْاِخْذِ. ³⁶ وَلَمَّا قَالَ هَذَا جَنَّا عَلَى رُكْبَتَيْهِ مَعَ جَمِيعِهِمْ وَصَلَى. ³⁷ وَكَانَ بُكَاءٌ عَظِيمٌ مِنَ الْجَمِيعِ وَوَقَعُوا عَلَى عُنُقِ بُولُسَ يُقَبِّلُونَهُ ³⁸ مُتَوَجِّعِينَ وَلَا سَبِيْمًا مِنَ الْكَلِمَةِ الَّتِي قَالَهَا، إِنَّهُمْ لَنْ يَرَوْا وَجْهَهُ أَيْضًا، ثُمَّ شَعِعُوهُ إِلَى السَّفِينَةِ.

لباس کسی را طمع نورزیدم،³⁴ بلکه خود می‌دانید که همین دستها در رفع احتیاج خود و رفقایم خدمت می‌کرد. این همه را به شما نمودم که می‌باید چنین مشقّت کشیده، ضعف را دستگیری نمایید و کلام خداوند عیسی را به‌خاطر دارید که او گفت دادن از گرفتن فرخنده‌تر است.³⁶ این بگفت و زانو زده، با همگی ایشان دعا کرد.³⁷ و همه گریه بسیار کردند و بر گردن پولس آویخته، او را می‌بوسیدند.³⁸ و بسیار متألّم شدند خصوصاً بجهت آن سخنی که گفت، بعد از این روی مرا نخواهید دید. پس او را تا به کشتی مشایعت نمودند.